

## بسمه تعالی

### راهکارهای قرآنی اتحاد امت

با نگاهی تاریخی به امت‌سازی پطبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)

#### درآمد

در آموزه‌های قرآنی و نبوی، اتحاد یکی از مهم‌ترین راهبردها برای جامعه‌پذیری و امت‌سازی است. برای ساخت امتی یگانه، نمونه و برتر (امت شاهد) لازم است بخش و نگرش مردم بازسازی شود؛ بینش مردمی که به‌طور فطری به اختلاف<sup>۱</sup>، استخدام‌دیگری و بهره‌کشی از هم نوع گرایش دارد<sup>۲</sup> این مسئله مطن قوم‌های پراکنده جزئی‌هی عربستان شدیدی‌تر بود؛ به‌دلیل محیط سخت و زمخت عربستان و کمبود منابع‌های آبی و غذایی. هر کس برای کوچک‌ترین مسئله به خود اجازه می‌داد طرف مقابل را بکشد و برای شتری جنگ صد ساله راه بیندازد به‌همان اندازه که بستر طبیعی و غریزی برای اختلاف فراهم بود، عامل‌های همبستگی نفی کاهش یافته بود گزارش مؤرخان و قرآن ثابت می‌کند که عامل‌های واگرایی اجتماعی مطن قوم‌های عرب بخش از آن بوده است که همگرایی را تقویت کند و جامعه‌ای واقعی پدید آورد

جامعه مجموعه انسان‌هایی است که به علت‌های خوبی، قبیله‌ای، نژادی و فرهنگی گرد هم می‌آیند؛ برای کسب هدف‌ها و نفع عالی‌تری که امکان آن به‌طور فردی فراهم نیست. افراد جامعه می‌کوشند تا با کاهش واگرایی و عامل‌های ایجاد آن - به شکل‌های گوناگون مانند قانون - و در محور هدف‌های مشترک نوعی اتحاد پدیی آورند این عامل‌ها در قوم‌های پراکنده عرب چنان نادری کم بوده است که فقط نوعی قبیله‌گرایی و جامعه‌ی ابتدایی خوبی را ایجاد می‌کرد. در اصطلاح سبطی‌امروزی، زندگی این قوم‌ها در واحه‌ها و آبادی‌های پراکنده جنگ سرد و صلح مسلح‌آمیده می‌شود.

در نثر (مدینه) آن زمان دو گروه خوبی و قبیله‌ای زندگی می‌کردند که همواره با هم می‌جنگیدند هرچند که برخی مورخان یهودیان عرب را عاملی مهم در شدید اختلاف اوس و خزرج می‌دانند؛ ولی به‌نظر نفی‌رسد که این عامل تنها عامل اختلاف‌های موجود در جامعه‌ی کوچک چند هزار نفری بوده باشد. همچنین در طائف حالت صلح مسلح چند دهه‌یا شای سده ادامه داشت و مطن قوم‌های مکه نفی وضعیت بهتری وجود نداشت. غرور قومی و مهر شریعی به خون و قوم‌های نزدیکی خوبی برای همدلی و همراهی نبود؛ بلکه برای کسب برتری و

<sup>۱</sup> مطهری، آشنایی با سوره‌های قرآن، سوره‌ی انفال.

<sup>۲</sup> . علامه طباطبایی، المیزان.

بر آوردن نظرها بود. به تعبی استاد شه‌عی مطهری این همکاری‌ها و کمک‌ها مانند همکاری سرمایه‌دارهاست که با رسیدن به هدف کاهش می‌تواند بی‌فرو می‌باشد. از این‌رو، با افزایش قدرت برخی قبیله‌ها یا شخص‌ها ارتباط و همکاری در خود مکه از هم می‌باشد و هر کس می‌کوشد تا بهره‌ی بیش‌تری از مال و قدرت ببرد؛ مانند ابوسطن و قریش. در چنین جامعه‌ی عصبیت نقی ابتدایی بود و هیچ‌گاه از قوم‌و خویش و در نهایت عشیره فراتر نرفت و به عصبیت قومی بی‌ملی تبدیل شد.

طه‌بر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در جامعه‌ی ابتدایی زندگی می‌کرد که قانون نوشته‌شده نداشت و حتی نمی‌توانست به تخصص‌های کوچک پائلن دهد. سنت‌های قبیله‌ای که به شدت مراعات می‌شد و در حکم قانون بود، فقط در راستای حقوق اشراف و نجبگان جامعه بود؛ از این‌رو هرگاه با خواسته‌های اشراف در تضاد قرار می‌گرفت، به آسانی کنار گذاشته می‌شد و قانون‌های دائمی بی‌مقطع دیگری جای‌گزین می‌شد.

### راهکارهای قرآنی برای همگرایی

برپایی آموزه‌های قرآنی، پیامبر نخست بخش و نگرش قوم را بازسازی کرد او برای رسیدن به این‌هدف بزرگ، مفاهیم و واژگانی جدید بر ساخت برای شناخت درست و تحلیلی دقیق عملکرد قرآنی طه‌بر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، در ساخت جامعه‌ی یگانه، یکی از راهکارهای قرآنی را برمی‌رسیم که که طه‌بر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیز آن را عملی کرد یعنی، نگاه‌ی گذرا به مسئله‌ی انصار، مهاجر و امت‌سازی در مدینه می‌کنیم که جامعه‌ی نمونه بود و مسلمانان صدر اسلام در این شهر امتی نمونه بودند.

### قرآن و امت‌سازی

در تعبی و اصطلاح قرآنی، امت گروه‌ی همسان در دین، آئین، زمان، مکان و دیگر مشترکات انسانی است.<sup>۳</sup> این اصطلاح با اصطلاح امروزی جامعه‌ی مشابهت‌هایی دارد ولی تفاوت‌های محسوس بی‌نق دارد که نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت. در اصطلاح جامعه‌شناسی، جامعه‌ی گروه سازمان‌یافته‌ای از اشخاص و افراد انسانی است که با هم در سرزمین مشترک زندگی می‌کنند و با همکاری در گروه‌ها نظرها‌ی اجتماعی ابتدایی و اصلی خود را تأمین می‌نمایند و با مشارکت در فرهنگ‌ی مشترک و یکسان به‌عنوان واحدا اجتماعی از دیگر جوامع متمایز می‌شوند.<sup>۴</sup> اما امت گروه خاصی از پی‌وایان یک دین بی‌یک عصر به سبب همسانی در نوع خاصی از عملکرد بی‌روی کرد فکری

<sup>۳</sup> سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۲۸ و سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۴۸ و مانند آن.

<sup>۴</sup> مجید مساواتی، مبانی جامعه‌شناسی، ص ۱۴۲.

است.<sup>۵</sup> این امت در نگرش قرآنی دارای کتاب و نوشته مخصوصی است که در قلهت به سوی آن خوانده می‌شود.<sup>۶</sup> امت؛ دارای فهم و شعور است.<sup>۷</sup> قرآن برای امت‌ها سنت‌هایی نقل اثبات می‌کند که می‌توان به سنت ارسال بظہیران، هلاکت امت پس از اتمام حجت تقیبنی در سرنوشت امت‌ها بر اثر عملکرد جامعه و مانند آن اشاره کرد.

قرآن یکی از هدف‌های بظہیر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را امت‌سازی بیان می‌کند و نشان می‌دهد که ایشان بلچه روشی به آن دست یافت و امت نمونه‌ای در مدینه ایجاد کرد. امتی که می‌تواند الگوی خوبی برای دیگر جوامع، به‌ویژه امت اسلامی، در روزگار ما باشد قرآن امت اسلامی عصر بظہیر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را بهترین امتی می‌داند که تا آن زمان تشکلی شده بود این امت وسطاً، شاهد و نمونه<sup>۸</sup> چه خصوصیت‌هایی داشت که خداوند آن را ستایش کرده است<sup>۹</sup> از ویژگی‌هایی که قرآن برای امت نمونه و شاهد بظہیر می‌کند این‌هاست: نظارت بکارهای یکدیگر و امر به معروف و نهی از منکر؛<sup>۱۰</sup> تعاون بر خیر و تقوا مطن ائشان «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى»؛<sup>۱۱</sup> بردلبوی ایمانی تا آن اندازه که از خود می‌گذرند و ائثار می‌کنند؛ جستجو و جاسوسی نکردن وضعیت یکی‌گر؛ نبود غیبت و تهمت و افترا در مطنشان؛ رجوع به قانون برای حل اختلاف‌های جزئی و کلی و قضاوت نکردن شمشیر؛ احترام به جان و مال و عرض یکی‌گر؛ فراهم کردن امریت اقتصادی، سطریری و اجتماعی برای یکی‌گر و جامعه ایجاد عامل‌های آرامش و آسایش در جامعه اصل بودن تقوا، عدالت و گذشت حتی در برابر قاتل؛ اصالت نداشتن قصاص و قتل هر چند که حق ائشان است؛ گذشتن از حق خویش برای تقویت همبستگی؛ انتقام‌گرفتن از یکی‌گر و سطریری دیگر از مسئله‌هایی که قرآن میان پرداخته است

### مهاجران و انصار و اگرای و همگرای

انصار اصطلاح خاصی در فرهنگ اسلامی و قرآنی است و بظہیر حالت عالی همدلی و هم فکری امت اسلام است بهترین شاهد برای امت‌سازی قرآنی بظہیر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) همدلی و همگرای انصار در مدینه بود. انصار نام

<sup>۵</sup> . المیزان، ج ۶، ص ۳۹.

<sup>۶</sup> سورهی جائیه، آیهی ۲۸

<sup>۷</sup> سورهی انعام، آیهی ۱۰۸

<sup>۸</sup> سورهی بقره، آیهی ۱۴۳

<sup>۹</sup> همان.

<sup>۱۰</sup> سورهی آل عمران، آیهی ۱۰۴

<sup>۱۱</sup> مائده، ۲

مسلمانان مدینه اوس و خزرج بود. این دو قبیله، بخش از اسلام همواره در جنگ بودند و جامعه مدینه هرگز به شکل درستی شکل نگرفت؛ زیرا دست کم سه گروه متخاصم در مدینه زندگی می کردند و اجازتی نمی دادند جامعه شکل بگیرد در حقیقت، آن‌ها گروه‌های متخاصمی بودند که به جهت آبادانی آن سرزمین گرد آمده بودند ولی به جای همگرایی رقابت می کردند و به همین دلیل در برابر تهاجم‌های یهودی بسط ضعیف بودند.

پطمبر (صلی الله علیه و آله) پس از دگرگون کردن بنی نضیر و نگرش مردم مدینه، اصول همدلی را تقویت کرد و با برنامه‌ای دقیق و آگرایی را از مکن برداشت. پطمبر در پیمان‌های متعددی سران اوس (بری عبدالاشهل) و خزرجی (بری سلمه) را کنار هم نهاد تا با هم یکدل و یککونگ شوند. به این ترتیب، اختلاف چند دهلی آن‌ها به همدلی تبدیل شد و کلمه‌ی انصار، به معنای طوآن پطمبر (صلی الله علیه و آله)، به جای خزرجی و اوسی نشست و از این زمان دیگر سخنی از قبیله در سندهای عصر نخست نیست و در همه جا به جای قبیله از انصار یاد می‌شود.

این مسئله نشان می‌دهد که پطمبر (صلی الله علیه و آله)، برای از بین بردن اختلاف قومی حتی در کاربرد واژه‌ها دقت می‌کرد. کاربرد اوسی و خزرجی می‌توانست به اختلاف‌ها دامن بزند و خاطره‌های گذشته را به یاد آورد در آیی‌های مدنی قرآن، این واژه هفت بار تکرار شده است که از قومه‌ها و گروه‌های ساکن مدینه خبر می‌دهد. مقایسه‌ی انصار با انصار حضرت عیسی (علیه السلام) حس معنوی ویژه‌ای مکن بود مکن مسلمان محبوب برمی‌انگیخت و آنان خود را طوآن و سربازان خداوند احساس می‌کردند و بر ایمان و نگرش آنان بزنند گنی تأثیری عمیق می‌گذاشت.<sup>۱۲</sup>

این اولین اقدام پطمبر (صلی الله علیه و آله) بود در ساخت هسته‌ی نخست امت. در گام بعدی، پطمبر (صلی الله علیه و آله) مکن انصار و مهاجر پیمان برادری بست. انصار مهاجران را در مدینه پذیرفتند و آنان را همچون برداران خودی و قبیله‌ای گرامی داشتند؛ کاستی‌هایشان را جبران کردند و زمین‌های اضافی زندگی ایشان را در مدینه فراهم آوردند آنان مهمانسرای ایجاد کردند برای اسکان موقت مهاجران و از بهترین محصولات و امکانات خود برای پذیرایی آنان استفاده کردند.<sup>۱۳</sup> برخی از ایشان در مکن بقیه‌های گوناگون انصار توزیع شدند و انصار مکن در رقابت با هم دیگر بر اساس قرعه حمایت از خانواده‌های مهاجر را به عهده گرفتند.<sup>۱۴</sup> انصار دارایی و خانه‌های خود را در اختیار مهاجران قرار دادند و آنان را در محصولات کشاورزی شریک کردند و برخی از آنان زمین‌های بی‌امون منازل

<sup>۱۲</sup> سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۵۲ و سوره‌ی صف، آیه‌ی ۱۴

<sup>۱۳</sup> سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۶۷

<sup>۱۴</sup> الطبقات، ج ۱۳، ص ۳۶۹.

مسکوفی خود را به پطمبر بخشیدند. این روابط میان انصار و مهاجران بلهجان برداری تقویت شد.<sup>۱۵</sup> در آغاز، برنامه بر این بود تا از یکی‌گر ارتش برند که چنین تفی اتفاق افتاد؛ تا آنکه بعدها احکام تعیین ظفت و تنها خویشان از یکی‌گر ارتش بردند.<sup>۱۶</sup>

حمایت‌های همه جانبی انصار از مهاجران روحی همدلی و هم‌فکری را تقویت کرد و امت شاهد شکل گرفت. در گزارشی از پطمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) این همدلی و رفتار شایسته به محبت والدینی به فرزند تشبیح شده است.<sup>۱۷</sup> البته گاه تنش‌هایی نیز رخ می‌داد؛ به علت‌های مختلف و به‌ویژه به‌دلیل نفاق کف در آیهای سوره منافقان به آن اشاره شده است و پطمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) کوشش روش‌های منافقان را آشکار کند و ریشه‌های اختلاف را بخشکاند اندک‌اندک، انصار و مهاجر ارتباط خویش را افزایش دادند و تجربه‌ها، فرهنگ، روش و دینی مشترک موجب شد تا این عامل‌ها تقویت و تحکیم گردد.

### بازخوابی خاستگاه وریشه‌های اختلاف امت

از نشانه تا معنا و از اختلاف تا اتحاد

در بخش قرآنی، نشانه‌ها از پرکارکردترین ابزار ارتباطی میان انسان و خدا ازسویی و انسان و انسان ازسوی دیگری است. در تحلیلی قرآنی آنچه در همه‌جا نمود دارد نشانه‌هاست. به‌دیگر سخن، ما جز با نشانه‌ها با چیزی دیگری سروکار نداریم. این معنای از نشانه ربط زیادی به‌مسئله‌ی نشانه‌ها در زبان‌شناختی ندارد بلکه هر چیزی در عالم آبی و نشانه‌ای از خداست خداوند می‌کوشد با زبان‌ها و روش‌های مختلف معنایی را به انسان بنماید. در ورای همه‌ی این نشانه‌ها نیز توحیح و ربوبیت کامل خداوند بطن می‌شود.

یکی از علل تکرار آبی‌ها و تصریح آن، با وجود وحدت معنایی، اختلاف در فهم و درک مخاطبان است ممکن است کسی نشانه‌ی اول را نگیرد، شناسد علی با آن ارتباط برقرار نکند؛ ولی به‌هر حال همه‌ی این نشانه‌های متعدد و متنوع معنادارند این همان چیزی است که در قرآن از آن به تصریح الاطی ط می‌شود. آیهای قرآنی گاه در یک سوره چند بار تکرار می‌شود تا یک معنا را به مخاطب بفماند؛ معنایی که از نظر قرآن بسط مهم و ارزشمند است و غفلت از آن موجب هلاکت انسان می‌شود.

<sup>۱۵</sup> همان، ج ۳، ص ۱۷۴ و ۵۲۳.

<sup>۱۶</sup> سوره انفال، آیه ۷۵

<sup>۱۷</sup> المستدرک، ج ۴، ص ۸۳.

در نگرش و بخش قرآنی، نشانه کارکرد متفاوت دیگری نقی دارد. برخی از نشانه‌ها هویت‌سازند؛ به این معنا که ماهیت واحدی را تشخیص می‌بخشند، برای مثال، مناسک عبادی مسجد نشانه‌ی هویت‌ساز برای اسلام است؛ همانند کل‌ها علی‌کنشت برای مسیحیان و یهودیان.

از نظر اسلام و قرآن، همان‌گونه که فرهنگ‌ها، زبان‌ها و قومیت‌های مختلف پذیری است، شریعت‌ها و روش‌های مختلف نیز پذیرفتنی است. قرآن در تأیید شریعت‌های مختلف که البته بطن‌گر معنای واحدی است، می‌فرماید:

«لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَهُدًى»، برای هر یک از شما از انسان‌ها شریعت و روش خاصی قرار دادیم.<sup>۱۸</sup>

هر یک از شریعت‌ها براساس یک نظام نشانه‌ی خاص می‌گردد و شکل می‌گیرد. این نشانه‌های خاص به آن شریعت هویت خاص می‌بخشد. به همین دلیل است که با شریعت خاص عیسی (علیه‌السلام) علی‌موسی (علیه‌السلام) روبه‌ور می‌شویم. شریعتی خاص که با نشانه‌های خاص به خود هویت می‌بخشد، روش خاصی نیز برای بطن خود دارد. این نشانه‌های مختلف برای آن است که هر کسی با توجه به قومی ادراک و فهم خود به معنای فرای این نشانه‌ها دست یابد.

### نشانه‌های مختلف اهل اتحاد

این نشانه‌ها و روش‌های مختلف می‌بایست عاملی برای اتحاد باشد؛ به این معنا که می‌بایست از نشانه‌های متنوع و مختلفی که وجود دارد عبور کرد و به معنای یگانه‌ایی دست یافت که در فرای نشانه‌هاست. معنایی که در ورای این نشانه‌هاست همان چیزی است که قرآن آن را اسلام می‌نامد و می‌فرماید:

«إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ دینی در نزد خداوند واقعیت اسلام و حقیقت تسبیح است.»<sup>۱۹</sup>

خداوند به اقتضای زمان، مکان و فهم مخاطبان، شریعت‌های مختلفی فرستاد و نشانه‌های گوناگونی نشان داد؛ ولی در ورای همه‌ی آن‌ها اسلام واحد است. خداوند برای هر ملت نشانه‌هایی قرار داد تا بتولف با ظرفیت‌های فرهنگی خود با حقیقت اسلام و نه فقط واقعیت تاریخی آن ارتباط برقرار کنند. از این رو، تنوع فرهنگی پذیری شده است و اسلام این قابلیت و ظرفیت را دارد تا بتواند معنی‌های خود را به نشانه‌های دیگر فرهنگی منتقل کند. این مسئله در زبان‌نق مطرح می‌شود.

<sup>۱۸</sup> سوره‌ی المائده، آیه‌ی ۴۸

<sup>۱۹</sup> سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۱۹

هرچند بدلیل قوت و غنای زبان عربی و نیز تعصب اعرابلطراف پیامبر به زبان عربی، خدا قرآن را به زبان عربی نازل کرد قرآن در این باره می‌فرماید:

«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ»<sup>۲۰</sup> ما هر رسولی را به زبان قومش فرستادیم تا به زبان آنان برایشان آیت خداوند را تبیین کند.

و تقی می‌فرماید:

«وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ<sup>۲۱</sup> اگر قرآن را به زبان غی‌عرب می‌فرستادیم، می‌گفتند چرا آیت قرآن تفصیلاً داده نشده است و روشن نشده بی‌معناست.

لی می‌فرماید:

«وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَى بَعْضِ الْأَعْجَمِيَّةِ فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ»<sup>۲۲</sup> اگر قرآن را بر غی‌عرب می‌فرستادیم و او آن را برایشان نمی‌خواند، عرب‌ها به آن ایمان نمی‌آوردند و مؤمن به آیت آن نمی‌شدند.

بنابراین، یکی از علل نزول قرآن به عربی توانایی زبانی است؛ ولی بدان معنا نیست که لزوماً می‌بایست به این زبان نازل می‌شد. قرآن به صراحت بظن می‌کند که علل مختلفی وجود داشته است که قرآن به زبان عربی نازل شده است؛ یکی از آن‌ها عربی بودن زبان قوم پطمبر بود، دیگری تعصب‌های قومی و زبانی و در نهایت ایمان‌نیابوردن آنان به کتب‌هایی که به زبان عربی نبود. نشانه‌هایی که به زبان عربی و فرهنگ عربی آمده است، تنها نشانه‌هایی نیستند که قابلیت و ظرفیت انتقال معانی را داشته باشند و دیگر فرهنگ‌ها و زبان‌ها نیز چنین ظرفیتی را دارند؛ زی اگر چنین بود شریعت عیسوی لی موسوی تقی می‌بایست به زبان عربی منتقل می‌شد. آنچه قرآن گزارش می‌کند بیشتر شریعت‌ها و نشانه‌های آسمانی‌ای است که از طریق زبان‌های دیگر، به‌ویژه عبری و مانند آن منتقل شده است اگر گفته می‌شود این ظرفیت در زمان پطمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در زبان و فرهنگ عربی، پیدا شد و دیگر زبان‌ها را کنار زد، بدان معنایست که انتقال معنی از طریق نشانه‌ها و زبان‌های دیگر امکان‌ناپذیری است. بنابراین، هر فرهنگ و زبانی از نشانه‌های اختصاصی و انحصاری خود استفاده می‌کند تا نشانه‌ها و معنی‌های وح‌ظنی را منتقل کند. برای نمونه، در زبان عربی از واژه‌ی صلاة برای بظن معنایی خاص استفاده می‌شود. این معنا به‌صورت و شکل کلمات و

<sup>۲۰</sup> سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۴

<sup>۲۱</sup> سوره‌ی فصلت، آیه‌ی ۴۴

<sup>۲۲</sup> سوره‌ی شعراء، آیه‌ی ۱۹۸ و ۱۹۹

حرکات و سکناات خود را نشان می‌دهد. صلاۀ در زبان عربی، بظننگر مفهومی خاص و ترکیبی از حرکات و گفتارهای خاص است؛ ولی همین‌ها خود تقی‌نشانه‌ای از معنایی دیگر است که در وری این مجموعه قرار دارو ما از آن به صلاۀ طح می‌کری؛ زی هدف و معنای واقعی این مجموعه همان عبودیت و پرستش خدای یگانه است. از این رو، نمی‌توان مدعی شد که صلاۀ (مجموعه حرکات و گفتارهای خاص دعایی) کامل‌تر از واژه‌ی نماز، در زبان فارسی، است؛ در جایگاه نشانه‌ی فرهنگ‌ی برای همان معنا. همان‌گونه که واژه‌ی صلاۀ این معنا را می‌رساند، واژه‌ی نماز تقی‌چری ظرفیت و توانایی را دارد.

### نشانه‌ها اصل نیستند

نشانه‌ها هیچ‌گاه اصالت ندارند و عاملی مهم چون اصل معنا نیستند. همه‌ی آن‌ها وسیله‌ای برای بظن معنی‌ها هستند؛ بنابراین هرگز در حدی مورد تأیید و تأکیدی نیستند که به جای معانی بنشینند و اصالت بظند. برای نمونه، کعبه نشانه‌ی از توحیح و خانه‌ی خداست؛ ولی کسی به کعبه در جایگاه اصل و معنا توجه نمی‌کند و بر این باور نیست که اگر به‌سوی آن نماز می‌گزارد، کعبه را می‌پرستد. کعبه پرستی نه تنها مشروعیت ندارد، بلکه شرک، نامشروع و گناه‌ی بزرگ است آنچه در وری این نشانه مورد نظر است پرستش خداست چنانکه کسی که بر خاک (تربت و مهر کربلا و سنگ و چوب) نماز می‌گزارد، نه خاک را می‌پرستد و نه سنگ و چوب را؛ بلکه آن را نشانه‌ی می‌بهد برای پرستش خدا

هرگز از مسلمان‌ی شیعی‌های شیعه نشده است که بگویند من خاک را می‌پرستم، کعبه را می‌پرستم یا تربت حسینی (علیه‌السلام) را؛ زی پرستش آن‌ها مشکلی است که شیطان با آن روبه‌رو بوده است. ابلیس افزون بر خود پرستی و نژاد پرستی که از آن به‌صراحت سخن می‌گویند، نشانه‌ها و ابزار بودن آن‌ها را درک نمی‌کند. ابلیس نتوانست و نخواست از نشانه‌ها عبور کند، به معنا برسد و برپایی باطن و معنا تحلی و عمل کند. ابلیس با همین ادعا حاضر به سجده بر انسان (آدم علیه‌السلام) نمی‌شود. برخی از صوفیان در توحیحی این عمل ابلیس می‌گویند که او از اهل توحیحی صرف و محض بوده است و لذا حاضر نشد حتی یک سجده بر غی‌خدا کند. شگفت آنکه ابن عربی در تفسیری انکار نبوت نوح (علیه‌السلام)، از سوی قومش، می‌گوید که حضرت نوح (علیه‌السلام) انسانی تشیی‌گرا بوده است و می‌کوشیده است خدا را به اموری تشیی‌کند؛ ولی قوم وی عقل‌گرا و از طرفداران تنزیه بودند و حاضر نشده‌اند تشیی‌وی را بپذیرند. آن‌ها خدای منزه از صفت‌ها را می‌پرستیدند؛ زی صفت‌های اثباتی، برخلاف صفت‌های سلبی، محدود‌ساز است ولی قوم نوح اهل تنزیه بود و خداوند را برپایی صفت‌های سلبی می‌پرستیدند. بنابراین،



حاضر به پذیریش دعوت نوح صفت گرا و تشیی‌گرا نشدند و خود بر تنزیی خدا اصرار کردند و نابود شدند در پاسخ گروه نخست بایی گفت که ابلیس با سرباز زدن از سجده به آدم (علیه السلام) در حقیقت توحیی را انکار کرده است؛ زیرا سجده به آدم (علیه السلام) و اطاعت از امر الهی به معنای پذیریش توحیی بوده است و انکار آن جز به معنای خروج از حاکمیت الهی نیست. ابلیس نتوانست از ورای نشانه‌ها به معنا برسد و در ورای سجده به آدم سجده به خاک را ادراک نکرده باشد. وی با این کار ربوبیت مطلق الهی را انکار کرد و نپذیری شاکردی انسانی را کند که از خاک و عنصر پست تر آفریده شده است اما درباری قوم نوح (علیه السلام) بایی پرسید پس چرا قوم نوح ده‌ها بت را می‌پرستی که خداوند در سورهی نوح از آن‌ها طرد کرده است این غرق نه تنها غرق در وحدت وجود نیست، بلکه غرق در نشانه‌ها و گمراه شدن در نشانه‌ها است و آنان نتوانستند در ورای نشانه‌ها خدا را ببینند.

### نشانه و فرهنگ

هر زبان و فرهنگی این ظرفیت را دارد که نشانه‌پذیر باشد و بتواند معانی دینی را انتقال دهد افراد مختلفی دینی اسلام - یگانه دینی از نظر خداوند است - را در زمان‌ها و موقعیت‌های مختلف و از طرق نشانه‌ها به مخاطبان نشان دادند. زبان و فرهنگ عربی یکی از نشانه‌هاست و شایع در بخشی کامل‌ترین و بهترین باشد؛ ولی این به معنای ابطال یا ناتوانی دیگر نشانه‌ها نیست. هر یک از فرهنگ‌ها، به‌توجه به ظرفیت‌های خود، نشانه‌هایی برای بیان همان معنی دارند؛ زیرا همه‌ی زبان‌ها و فرهنگ‌ها ریشه‌ی انسانی و الهی دارند و این ظرفیت کم‌وبیش در همه‌ی آن‌ها نهاده شده است همان‌گونه که زبان فارسی توانسته است با ظرفیت خود، معنی‌های قرآنی را برتابد، فرهنگ‌های افغانی ظرفیت دارد. چینی که فرهنگ ایرانی و زبان فارسی نظیر دارد بازسازی نشانه‌ها است؛ با توجه به معنی‌های قرآنی. به این معنی که باید همان راهی را بپیماییم که قرآن در طول سیه‌ت‌وسه سال، برای تغییر و تکامل فرهنگ و زبان عربی پیچود تا بتواند معنی‌های قرآنی را به دیگران منتقل کند.

فرهنگ اسلامی فرهنگی نشانه‌ای است؛ بنابراین باید از آن گذشت و به حقیقت ورای این نشانه‌ها دست یافت. چنانکه از معبدها، مسجدها و کنش‌ها می‌گذریم و خدا را از ورای آن‌ها عبادت می‌کریم علی‌المناسک و نمادهای دینی می‌گذریم - چون نماز، روزه، حج، جهاد، خمس و زکات - و در همه‌ی آن‌ها وجهه خدا را می‌جویم. البته می‌پذیریم که برخی نشانه‌ها در مقایسه با نشانه‌های دیگر قابلیت بهتر و بیشتری دارند با این همه، اختلاف در تأثیر یک نشانه بدان معنا نیست که به آن تعصب ورزیم و بهره‌گیری از نشانه‌های دیگر را شرک و باطل بدانیم؛ بلکه باید از همه‌ی این نشانه‌ها بگذریم و به معنای واحد ورای آن‌ها برسیم

## خاستگاه ورثه‌ی اختلاف‌های امت

اگر قرآن اختلاف‌های فرهنگی، قومی، روشی و قانونی (شریعت‌ها) را پذیرفته است، پس چه چیزی خاستگاه ورثه‌ی اختلاف‌های کنونی امت اسلام است؟

به نظر می‌رسد که تأکیدی برخی از پیروان، برخلاف دستور قرآن، بر نشانه‌های خاص است که خاستگاه بسطی از اختلاف‌هاست. زمانی که پذیرفته‌ام هر شریعتی نظام نشانه‌ای دارد که آن شریعت را از شریعت‌های دیگر متمایز می‌کند، باید بپذیریم که نشانه‌ها اصالت ندارند و فقط ابزار ارتباطی میان انسان و معنا هستند لی‌به انسان‌هایی که خواستار تنوع باشند کمک می‌کند تا با روش‌ها و نشانه‌های مختلف به معنا برسند این همان چیزی است که پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرماید:

«نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ»، ما مأمور شده‌ایم تا برپایه‌ی توان و ظرفیت عقول مردمان سخن بگوییم.<sup>۲۳</sup>

درنهایت، تأثیری که این نشانه‌ها به‌جا می‌گفارد هویت‌بخشی و هویت‌سازی است. بنابراین، نشانه‌ها نمی‌توانند به‌عنوان عاملی برای اختلاف تبدیل شوند؛ مگر آنکه کسانی بخواهند از آن‌ها بهره‌برداری نادرست کنند و به اختلاف‌های ماهوی دامن زنند در هر شریعتی، حتی شریعت اسلام، نشانه‌ها چیزی کارکردی دارند و نباید برخی نشانه‌ها را برتر دانست و بقیه را تخطئه کرد نشانه‌های درون شریعت به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ یکی برخی از نشانه‌ها به جامعه و امت هویت می‌بخشد - مانند نشانه‌ی کعبه‌ی مسجد و حج ولی این نشانه‌ها هیچ تمایز ماهوی پدید نمی‌آورند؛ یکی در شریعت‌های دیگر (تقریباً) نشانه‌های هویت‌بخشی وجود دارد که می‌توان از جهت‌المقدس در شریعت یهودی و نصرانی و کلیسا و کنشت و حج جهت‌المقدس یاد کرد.

## قرآن و زبان عربی

چنان‌که گفته شد زبان عربی همانند زبان فارسی، انگلیسی و ترکی است؛ بنابراین زبان عربی تمایزی با دیگر زبان‌ها ندارد و نشانه‌بودن آن موجب نمی‌شود دیگر زبان‌ها نشانه نباشند اگر دینی اسلام به زبان عربی نازل شده است، این قابلیت را دارد که با زبان و نشانه‌های دیگری نیز منتقل بشود.

قرآن به این مسئله توجه می‌کند و حتی می‌گوید ایجاد نشانه‌های جدیدی باطل نیست؛ البته اگر در راستای هدف‌های توحیدی باشد. قرآن مسئله‌ی رهبانیت را که از بدعت‌های پسندیده‌ی مسیحیان است بیان می‌کند. این

<sup>۲۳</sup> شرح اصول الکافی، ج ۲، ص ۱۳۸

بدعت از طریق نشانه‌های دیگر انجام شده است و به جهت نگاه به نظام معنایی مقبول مورد تأکیدی بوده است؛ هر چند که مسیحیان خود به این نشانه چنان که بایستی و شایسته عمل نکرده‌اند و برخلاف آن رفتار کرده‌اند. بنابراین، نظام نشانه‌های که معنای دینی را باز نمایند موجب بیرون رفتن استفاده کنندگان از دینی نمی‌شود.

قرآن این نشانه‌ها را منسک و نماد بیان می‌کند. منسک (روش، شریعت و نماد) آن دسته از نشانه‌هایی است که به شریعت هویت خاص می‌بخشد؛ بنابراین این نشانه‌ها نباید موجب اختلاف شود و به آن دامن‌نیزند. خداوند در آیه ۶۷ سوره حج می‌فرماید:

«لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسِكًا لَهُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنَازِعُكَ فِي الْأُمُورِ لِأَنَّهَا لِلَّهِ وَاللَّهُ وَجَدَ النَّاسَ كَافِرِينَ»<sup>۲۴</sup>

داده‌ام تا آن را بعنوان روش بجا نگیرد؛ پس نبایستی در این مسئله با تو اختلاف و منازع کنی.

قرآن تأکیدی می‌کند که همه‌ی این نشانه‌ها برای بطن معناست و نبایستی معناراً فدای نشانه کرد؛ از این رو می‌فرماید:

«وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسِكًا لِيَذُكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَإِلَهُكُمْ إِلَهُ وَاحِدٌ فَلِمَ أُوَلِّيْتُمُ الْمُضْتَبِينَ»<sup>۲۴</sup>

و برای هر امتی مناسکی قرار دادیم تا نام خدا را بر دام‌های زبان‌بسته‌ای که روزی آن‌ها گردانیده یاد کنی؛ پس [بدانید که] خدای شما خدایی یگانه است پس [بفرمان] او گردن نهید و فروتنان را بشارت ده<sup>۲۴</sup>

**منبع: دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد**

<sup>۲۴</sup> سوره حج، آیه ۳۴